

ما يتعلق ببیت المال والأموال المالية:

بیت المال و امور مالی

س ۸۱/ تبرع أحد الأخوة بمبلغ من المال لكي أعطيه لمن يستحق، وبما أنني عاطل عن العمل وكذلك أخي، ولا يوجد من يسد حوائجنا وأحياناً نحتاج إلى مساعدة لكن يصعب علينا القول إننا محتاجون، فهل أستطيع أخذ مبلغ معين من المال والباقي أصرفه في سبيل الله كإعانة أحد الأخوة الأنصار كما قرّر ذلك صاحب المال؟

پرسش ۸۱:

یکی از برادران مبلغی پول بخشیده است تا به دست کسی که مستحقش است برسانم. از آنجاکه من و برادرم بیکار هستیم و شغلی نداریم و کسی هم نداریم تا نیازهای مادی مان را تأمین کند و به کمک مالی هم نیاز داریم ولی اینکه به کسی بگوییم ما محتاج هستیم نیز برایمان سخت است، آیا می‌توانم مقداری از این پول را برای خودم بردارم و بقیه را در راه خدا خرج کنم مثل کمک به یکی از برادران انصار- همان‌طور که صاحب این پول مقرر کرده است؟

ج/ إذا كان المتبرع أعطاكم المال لصرفه في جهة معينة فعليكم الالتزام بصرفه بتلك الجهة التي حددها المتبرع، فإذا كان يريد إيصاله لبیت المال لا بد من إيصاله، وإذا كان يريد منكم توزيعه على الأيتام فلا بد من ذلك، وإذا كان يريد منكم توزيعه على الفقراء كذلك قوموا بتوزيعه على الفقراء، وإذا كنتم فقراء ومحتاجين للمال فيمكنكم أخذ حصة كغيركم من الذين توزعون المال عليهم.

پاسخ:

اگر بخشنده، این مال را برای مصرف خاصی به شما داده است، بر شما واجب است در همان جهت خاص مصرف کنید؛ بنابراین اگر گفته است به بیت‌المال برسانید باید چنین کنید، اگر گفته است برای ایتام هزینه کنید باید چنین کنید، اگر گفته است بین فقرا تقسیم کنید باید چنین کنید، و اگر شما جزو فقرا و نیازمندان به این پول محسوب می‌شوید می‌توانید مقداری از این پول را برای خودتان بردارید، درست مثل فقرا و نیازمندان دیگری که این پول را بینشان توزیع می‌کنید.

س ۸۲ / لدي هذه الأسئلة بخصوص بيت المال:

۱. لا زال لدي تساؤلات بخصوص كيفية عمل بيت المال، كيف نطبقه في المجتمع، من هم الذين ينتفعون منه؟ هل بيت المال يعتبر مركز تجميع كل أنواع الزكاة ما عدا الخمس، وأيضاً الإنفاق من عند المانح؟
۲. أرجو أن تنصحي بمثال عن كيفية عمله في السابق؟

پرسش ۸۲:

پرسش‌های زیر در خصوص بیت‌المال:

- ۱- همیشه برایم در مورد چگونگی برخورد با بیت‌المال سؤالاتی مطرح بود؛ اینکه چگونه آن را در جامعه مصرف کنیم. چه کسانی می‌توانند از آن استفاده کنند. آیا بیت‌المال عبارت است از محل جمع‌آوری همه انواع زکات غیر از خمس؟ و همچنین انفاقی از سوی اهداکننده است؟
- ۲- امیدوارم مرا از چگونگی مصرف بیت‌المال در قالب مثالی توصیه فرمایید؟

ج/ الأموال سواء كانت واجبة كالزكاة والخمس أم تبرعات أجمعوها في بيت المال، وقوموا بصرفها بالوجوه التي بيّنتها لكم، أي الدعوة إلى الحق، ومساعدة من يحتاج من المؤمنين، وإعالة أيتام المؤمنين. أما في المجتمع، فمتى ما توفرت لديكم سعة من المال يمكنكم مثلاً أن تقوموا بإعالة الأيتام حتى وإن كان أهلهم من غير المؤمنين، أو يمكنكم فتح جمعية لإعالة الأيتام، وأسأل الله أن يبارك لكم ويبارك في عملكم ويجعل لكم سبيلاً لتعريف الناس بالحق، خصوصاً في المناطق التي تفهم لغتكم أو فيها من يمكنكم إيصال الحق لهم كماليزيا وبروناي وسنغافورا وجنوب تايلند وأندونيسيا وغيرها، جزاكم الله خير جزاء المحسنين، وإن شاء الله يوفقكم الله لإيصال الحق لهم ولمن ترجون هدايته منهم.

پاسخ:

اموال چه واجب باشند مثل زکات و خمس- و چه اهدایی، همه را در بیت‌المال گرد آورید و اقدام به مصرف کردن آنها در جهاتی کنید که برایتان بیان کرده‌ام؛ یعنی دعوت مردم به حق، به مؤمنان نیازمندان و سرپرستی یتیمان مؤمن. ولی در مورد جامعه، اگر مقدار زیادی از اموال بیت‌المال نزد شما جمع شده است می‌توانید به عنوان مثال اقدام به سرپرستی یتیمان کنید حتی اگر خانواده‌شان از مؤمنان نباشند، یا می‌توانید جمعیتی برای سرپرستی از یتیمان باز کنید. از خداوند مسألت دارم به شما و در کارهایتان برکت عنایت فرماید و برای شما راهی برای شناساندن حق به مردم قرار دهد، خصوصاً در مناطقی که زبان آنها را می‌فهمید یا در مناطقی که افرادی وجود دارند که شما می‌توانید حق را به آنها

برسانید؛ مثل مالزی، برونوی، سنگاپور، جنوب تایلند، اندونزی و جاهای دیگر. خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عنایت فرماید، و ان شاء الله خداوند به شما برای رساندن حق به آنان و کسانی که امید به هدایتشان دارید، توفیق عنایت فرماید.

س ۸۳ / امتثالاً لتوصية الإمام أحمد الحسن (عليه السلام)، فقد أنشأنا بيتاً للمال في منطقتنا وهو يتولّى خدمة الأنصار والأنصاريات المؤمنين بالدعوة اليمانية الحقّة ومساعدتهم مالياً.

پرسش ۸۳:

در جهت گردن نهادن به توصیه امام احمدالحسن (عليه السلام) خانه‌ای را برای اموال در منطقه خودمان به منظور خدمت‌رسانی به مردان و زنان انصار مؤمن به دعوت حق یمانی و کمک مالی به آنان تأسیس کرده‌ایم.

وسؤالی: هل يحق لنا صرف الخمس والحقوق الشرعية التي جمعناها في إنشاء مركز وحسينية للأنصار في المنطقة، وأيضاً في مساعدة الأسر المحتاجة مالياً؟ و پرسش من: آیا می‌توانیم خمس و حقوق شرعی که جمع‌آوری کرده‌ایم را در ایجاد یک مرکز و حسینیه برای انصار در این منطقه مصرف کنیم؟ و همچنین در کمک به خانواده‌هایی که از نظر مالی نیازمند هستند؟

مع العلم إننا في أمس الحاجة لهذا مركز يضم جميع الأنصار وتقام فيه الجماعة والصلوات والدروس الدينية، وأنّ قدرة الأنصار المالية في توفير المبلغ المطلوب لشراء أرض وبناء المركز والحسينية في الوقت الراهن محدودة ولا تفي بالغرض با توجه به اینکه ما در گذشته نیازمند چنین مرکزی بوده‌ایم تا تمام انصار را در آن جمع، در آن نماز جماعت بر پا و دروس دینی برگزار کنیم، و توان مالی انصار در جمع‌آوری مبلغ موردنیاز برای خرید زمین و ساخت مرکز و حسینیه در حال حاضر محدود است و نتیجه مطلوب از این طریق به دست نمی‌آید.

ج/ یجوز، وأسأل الله أن يبارك لكم وييسر أموركم لما يرضيه.

پاسخ:

جایز است؛ و از خداوند درخواست دارم به شما برکت عنایت فرماید و امور شمارا در جهتی که مورد رضایش است آسان گرداند.

س ۸۴ / توجد عندي أموال (صلة الإمام)، فهل يجوز أن أعطيها للمحتاجين من الأنصار؟ خاصة أن إيصال الأموال للأنصار المسؤولين عن بيت المال صار صعباً.

پرسش ۸۴:

اموالی از «صله به امام» در اختیار من است. آیا می‌توانم آن را به انصار نیازمند بدهم؟ به‌خصوص وقتی رساندن این اموال به انصاری که مسئول بیت‌المال هستند خیلی سخت باشد.

ج / يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۸۵ / إني مهموم جداً؛ لأن في رقبتني مبلغاً من المال، عائداً إلى الإمام المهدي (عليه السلام)، وليس لدي مال حتى أسدد هذا الدين، فأنا متحيرٌ ودائماً أفكر به ولا أعرف ماذا أفعل؟

پرسش ۸۵:

من بسیار غمگین و ناراحت هستم؛ زیرا دینی از مالی که متعلق به امام مهدی (علیه السلام) است بر ذمه‌ام می‌باشد و مالی هم ندارم تا دینم را ادا کنم. متحیرم چه کنم؟ همیشه به آن فکر می‌کنم و نمی‌دانم چه کنم؟

ج / لا إشكال ما دمت لا تملك هذه الأموال، وفقك الله وسدد خطاك وأسأل الله أن يفرج عنك بفضله.

پاسخ:

تا هنگامی که این اموال را به دست نیاورده‌ای اشکالی وجود ندارد. خداوند به شما توفیق دهد و گام‌هایت را استوار سازد. از خداوند مسئلت دارم که به فضل خودش گشایشی در کارهای شما ایجاد کند.

س ۸۶ / هل يجوز مساعدة شخص لا يصلي ولا يصوم وغير مؤمن بالدعوة المباركة ولكنه فقير، وهل في مساعدته مادياً (لأجل شخصه أو لأجل أولاده) أجر وثواب، وهل يوجد فرق بين الأرحام وغيرهم؟

پرسش ۸۶:

آیا کمک مالی به شخصی که نه نماز می‌خواند، نه روزه می‌گیرد و مؤمن به این دعوت مبارک نیست جایز است؟ این شخص فقیر است. آیا کمک مالی به او

به خاطر خودش یا فرزندانش- پاداش دارد؟ و آیا در این جهت فرقی بین خویشان و سایرین وجود دارد؟

ج/ غیر المؤمن ممکن مساعدته مادياً، أما الأجر والثواب فنعم لكل كبد حرّی أجر، أي لو كان يحتاج الطعام مثلاً، ويمكن مساعدة أطفاله أيضاً، والأرحام لا يجوز مقاطعتهم، والأفضل مساعدتهم وإن لم يكونوا مؤمنين، وإذا كان عليك أن تختار بين مساعدة غير المؤمن والمؤمن فاختر مساعدة المؤمن أفضل.

پاسخ:

می‌توان به کسی که مؤمن نیست کمک مالی کرد؛ اما در مورد اجر و پاداش، بله؛ (کمک) به هر موجود زنده‌ای پاداش دارد، یعنی اگر به‌عنوان مثال نیاز به غذا داشته باشد و همچنین می‌توان به فرزندانش کمک مالی کرد. قطع ارحام (بریدن از خویشاوندان) جایز نیست و افضل (بهتر) کمک مالی به آنها است اگرچه مؤمن هم نباشند، و اگر بین کمک کردن به مؤمن و غیر مؤمن مُردد شدی، کمک به مؤمن برای شما بهتر است.

س ۸۷/ مؤمن بالحق طلب منه أبوه أن يتبرّع بمقدار (۱۰۰۰ یورو) لبناء مسجد في امستردام، وهو لا يعرف ما يفعل؛ لأن أصحاب المسجد هم من أتباع المراجع وعندما فاتحهم بموضوع دعوة الإمام أحمد الحسن وإذا كان بإمكانه أن يدعو الناس للحق في المسجد ففضوا، ماذا يفعل؟

پرسش ۸۷:

شخصی مؤمن به‌حق است. پدرش از او خواست تا برای ساختن مسجدی در امستردام ۱۰۰۰ یورو اهدا کند و او نمی‌داند چه کند؛ زیرا ملازمان آن مسجد از پیروان مراجع هستند و اگر کسی در آن مسجد بخواهد مردم را به دعوت امام احمدالحسن (علیه السلام) فراخواند او را از مسجد بیرون می‌کنند و مانعش می‌شوند؟

ج/ لا يجوز للمؤمن أن يتبرّع لهؤلاء الضالين، فهم قد عرض عليهم الحق ورفضوه، فهؤلاء تجار دنيا، وهذا ليس مسجداً عند الله بل هو دكان للتجارة وجمع الأموال من الناس ليتمتع بها أحد وكلاء المراجع وربما حاشية من النصابين الصغار المحيطين به في أوربا دون عمل ويبعثون بجزء منها لمرجعهم، فهؤلاء الذين يجمعون أموالكم يعطيهم مرجعهم الذي يرجعون له حصة ثلث أو نصف الأموال التي يجمعونها، ولهذا تجدهم مستميتين على دنياهم القدرة التي يحصلون عليها بأقذر أسلوب وهو النصب والاحتيال على الناس باسم الدين، ومن يُرد التأكد يذهب للنجف ليعرف هذا الأمر بنفسه، فكل مرجع منهم

يعطي نصف أو ثلث الأموال لوكلائه الذين يجمعونها، ويمكنكم التأكد من هذا بسهولة بالذهاب لنجف وسؤال الشيوخ المعممين من أتباع المراجع، فإذا جرؤ عدد منهم على الكذب عليكم وإنكار ذلك فلا بد أن يكون هنالك في الحوزة من يقول الحقيقة ومن هو متذمّر من تصرفات المراجع ووكلائهم بالأموال، وأنا شخصياً في قضية العدالة المالية التي أثارها في الحوزة نصرني عدد كبير جداً من المعممين في حينها، فكثير من طلبة الحوزة يعرف بهذا الفساد المالي للمراجع وأبنائهم ووكلائهم، ولكن طلبة الحوزة عاجزون عن إيجاد حل للفساد المالي أو في الحقيقة هم وضعوا أنفسهم في موضع الاستضعاف عندما اتبعوا هؤلاء المراجع.

پاسخ:

جایز نیست مؤمن چیزی به این گمراهان اهدا کند. حق بر آنان عرضه شد و آن را نپذیرفتند؛ پس آنها تاجران دنیا هستند، و این از نظر خدا مسجد محسوب نمی‌شود بلکه دکانی برای تجارت و جمع‌آوری اموال مردم برای نمایندگان مراجع است تا از آن بهره‌مند شوند. چه‌بسا وابستگی از این نمایندگان در اروپا بی‌هیچ عملی بر این اموال تسلط دارند و بخشی از آنها را برای مراجعشان می‌فرستند. مراجعی که اموال برایشان فرستاده می‌شود یک‌سوم یا نیمی از این اموال را به همین کسانی که اموال شمارا جمع‌آوری می‌کنند پرداخت می‌کنند و به همین دلیل آنها را می‌بینی که دیوانه‌وار به دنیای چرک و پلید خود چنگ زده‌اند؛ همان دنیایی که می‌خواهند با زشت‌ترین روش‌ها به آن دست پیدا کنند یعنی فریب و نیرنگ مردم به اسم دین- و اگر کسی بخواهد مطمئن شود می‌تواند به نجف برود تا خودش این وضعیت را مشاهده کند. هر مرجعی نصف یا ثلث اموال را به نمایندگان خود که این اموال را برایشان جمع کرده‌اند می‌دهند. برای اطمینان، شما به‌سادگی می‌توانید به نجف بیایید و از شیوخ معمم پیروان مراجع سؤال کنید. اگر عده‌ای از آنها جرئت کردند به شما دروغ بگویند و این قضیه را انکار کنند، کسانی در حوزه هستند تا حقیقت را به شما بگویند و از تصرفات مراجع و نمایندگانشان در اموال، پرده بردارند. بنده خودم شخصاً در قضیه اصلاح مالی حوزه که پیگیر آن بودم، در آن زمان تعداد زیادی از معممین مرا یاری می‌کردند. بسیاری از طلبه‌های حوزه از این فساد مالی مراجع و فرزندان و نمایندگانشان آگاهی داشتند ولی نمی‌توانستند راه‌حلی برای از بین بردن فساد مالی حوزه پیدا کنند؛ و یا آنها وقتی خود از این مراجع پیروی می‌کردند، در واقع خود را در جایگاه استضعاف قرار داده بودند.

أنا شخصياً حدثت معي الحالة التالية: قبل فترة قصيرة من الزمن، شخص ممن يجمعون الأموال لبعض المراجع في إحدى الدول غير العراق شاء الله لهذا الشخص أن يعلن لبعض المؤمنين أنه آمن واعتقد بأحقية الدعوة المهدوية المباركة، أسأل الله أن يوفقه وأن يدفع عنه، فوجه لي سؤالاً عن طريق مجموعة من المؤمنين بالدعوة وكان سؤاله عن الأموال التي تحت يده لبعض المراجع، وكان الرقم الذي يسأل عنه يعادل عدة ملايين من الدولارات، وكان يريد تسليم الأموال لبيت المال التابع للأنصار، وكان يسأل أيضاً عن المبلغ المسموح له أن يأخذه هو وبعض الأشخاص ممن كانوا يعينونه في جمع تلك الأموال باعتبار أن هذا أمر طبيعي لدى المراجع، وهو وفقه الله لم يسأل ليأخذ الثلث أو النصف وإنما فقط كان سؤاله عن جواز أخذ حصة من الأموال قبل تسليمها لبيت مال الأنصار، وقد أخبرته أن يترك هذا الأمر، وأن يرجع الأموال إلى أصحابها ويبلغهم بالدعوة فإن قبلوها نقبل أموالهم وإن ردوها فلا حاجة لنا بأموالهم، فيردها لهم وهم يتصرفون بأموالهم كيف يشاءون، فهذا شاهد حصل معي قريباً يبين أن هؤلاء المراجع قد وضعوا قانوناً لوكلانهم لأخذ نسبة الثلث أو النصف من الأموال الشرعية (الخمس) حتى أصبح الناس يعتبرونه أمراً مشروعاً لا غبار عليه، في حين أنه لا يوجد دليل على أن شخصاً يجمع الخمس يجوز له أخذ ثلث أموال الخمس التي يجمعها.

برای شخص من ماجرای زیر پیش آمد: چندی پیش از این، خداوند خواست تا یکی از کسانی که برای برخی از این مراجع در یکی از کشورهای دیگر (غیر از عراق) اموال جمع می‌کرد به بعضی از مؤمنان اعلام کند که به حقانیت دعوت مبارک مهدوی ایمان آورده است از خداوند می‌خواهم که به او توفیق دهد و آفات را از او دور نماید. ایشان از طریق عده‌ای از مؤمنان به دعوت، پرسشی را برای فرستاد مبنی بر اینکه مقداری از اموال مراجع در اختیارش است. این اموال بالغ بر میلیون‌ها دلار بود و می‌خواست این اموال را به بیت‌المال انصار تسلیم کند. پرسش او این بود که چقدر از این مبلغ را مجاز است برای خودش و کسانی که به او در جمع‌کردن این اموال کمک کرده‌اند بردارد چراکه این کار در سیستم مراجع یکرویه طبیعی به شمار می‌آید. او که خداوند توفیقش دهد نرسید ثلث یا نصف اموال را بردارد و فقط از جایز بودن برداشتن سهم خودش از اموال پیش از تسلیم کردن آن به بیت‌المال انصار پرسیده بود. به او گفتم این کار را ترک کند و آن اموال را به صاحبانش برگرداند و دعوت را به آنان برساند؛ اگر آنها پذیرفتند اموالشان را بگیرد اگر نپذیرفتند ما نیازی به اموال آنها نداریم، آن اموال را به خودشان برگردان و هر طور که خودشان خواستند آنها را مصرف کنند. این، شاهد و گواهی بود که به‌تازگی برای خودم به وجود آمد که

روشن می‌کند این مراجع، قانونی برای نمایندگان خود وضع کرده‌اند که طبق آن، می‌توانند نصف یا ثلث اموال شرعی (خمس) را بردارند تا جایی که مردم این موضوع را بی‌هیچ تردیدی به‌عنوان امری مشروع پذیرفته‌اند؛ این در حالی است که هیچ دلیلی مبنی بر اینکه شخصی که خمس را جمع می‌کند بتواند نصف یا ثلث اموال را بردارد، وجود ندارد.

وقد أثرت مسألة إعطاء المراجع لثلث ونصف أموال الخمس لوكلانهم الذين يجمعونها بل أن الوكلاء اعتادوا أن يعزلوا حصتهم قبل أن يوصلوها للمرجع، وقد وجّهت بعض طلبة الحوزة في حينها للتوجه إلى برّانياتهم وسؤالهم عن دليلهم الشرعي على إعطاء ثلث أموال الخمس للوكيل الذي يجمعها، فعجزوا عن الإجابة وبعضهم استشهد بأية الزكاة، وهو يجهل أنها مختصة بالزكاة، وآخر قال: الخلف يتبع السلف، وهكذا وردتني أجوبة أقل ما يمكن أن توصف به هو الجهل.

این جانب پیشتر پی‌گیر این مسئله شده بودم -اینکه مراجع یکسوم یا نیمی از اموال را به نمایندگان خود که اموال را جمع‌آوری می‌کنند می‌دهند- و حتی برخی از این نمایندگان عادت کرده‌اند که پیش از تحویل دادن این اموال به مراجع، سهم خود را جدا کنند. در آن موقع بعضی از طلبه‌های حوزه را متوجه این مطلب کرده بودم و آنها را ترغیب کردم بروند و از مراجع در مورد دلیل شرعی مبنی بر پرداخت ثلث یا نصف این اموال به وکیلی که آنها را جمع‌آوری می‌کند سؤال کنند. آنها از پاسخ گفتن ناتوان بودند. برخی از آنان به آیه زکات استشهد می‌کردند، در حالی که نمی‌فهمیدند که این آیه مخصوص زکات است نه خمس؛ عده‌ای دیگر می‌گفتند: ما از پیشینیان خود پیروی می‌کنیم؛ و به همین ترتیب پاسخ‌هایی می‌دادند که کمترین توصیف در موردشان، جهل و نادانی بود.

عموماً وفقكم الله، الشخص الأنصاري الذي في هولندا حفظه الله إذا كان يريد التبرع فليتبرع للحسينيات والمساجد المهدوية في أوروبا أو في بقية دول العالم التابعة لأنصار الإمام المهدي، أو يتبرع لمساعدة الأيتام، أو يتبرع لفتح فضائية أنصار الإمام المهدي، ولا يجوز له أن يتبرع لتقوية شوكة هؤلاء الضالين الذين يسبّون حجة من حجج الله مفترض الطاعة على الناس ليلاً نهاراً في الفضائيات، ويهربون من إجراء مناظرات مع الأنصار على فضائياتهم؛ خوفاً من افتضاح خوائهم العقائدي وإفلاسهم من الدليل على دينهم المرجعي المنحرف عن دين محمد وآل محمد (عليهم السلام)، ولهذا تجدهم يكتفون بالسب والشتم والكذب

والافتراء على الدعوة وعلى المؤمنين بالدعوة، ويحاولون خداع الناس بالأكاذيب.

خداوند شمارا توفیق دهد. به‌طور کلی این شخص انصاری که در هلند است خداوند حفظش کند. اگر خواست مالی را اهدا کند به حسینیه‌ها و مساجد مهدوی انصار در اروپا یا سایر کشورها یا برای کمک به یتیمان اهدا کند، یا برای گشایش شبکه‌ی ماهواره‌ای انصار امام مهدی (علیه السلام) اهدا کند، و جایز نیست مالی را برای تقویت شوکت این گمراهانی که شب و روز حجتی از حجت‌های الهی واجب‌الاطاعه را در شبکه‌های خود دشنام می‌دهند ببخشد؛ همان کسانی که از برگزار کردن مناظره با انصار در شبکه‌های خود فرار می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند عقاید باطلشان رسوا شود و از آوردن دلیل بر دین مرجعی‌گرای منحرف از دین محمد و آل محمد (علیهم السلام) ناتوان گردند. به همین دلیل آنها را چنین می‌یابی که به فحش و ناسزا و دروغ و تهمت و افترا بر دعوت و مؤمنان به دعوت بسنده می‌کنند و سعی در فریب دادن مردم با دروغ‌هایشان می‌نمایند.

س/ هل أخذ أو استلام أو صرف المبالغ (الخمس أو سهم الإمام) التي نستلمها من المراجع كراتب شهري من الحوزة جائز؟

سؤال:

آیا دریافت و خرج کردن مبالغی (خمس یا سهم امام) که از مراجع می‌گیریم مثل شهریه حوزه- جایز است؟

ج/ من یسمون المراجع لا یجوز لهم استلام الخمس ولیس لیدیهم أي دلیل علی ما یفعلون، ولكن إن أعطوك هم بإرادتهم بعض هذه الأموال كونك طالباً في الحوزة فخذها منهم، فأن تصلك هذه الأموال خیر لهم لعل الله یهدیهم إلى الحق وترك الباطل الذي هم علیه.

پاسخ:

کسانی که مراجع نامیده می‌شوند جایز نیستند خمس بگیرند و هیچ دلیلی بر آنچه انجام می‌دهند ندارند؛ ولی اگر آنها با خواست خودشان به دلیل طلبه بودن شما در حوزه، چیزی به شما دادند آن را بگیر؛ چراکه اگر این اموال به شما برسد برای آنها بهتر است، باشد که خداوند آنها را به‌حق و ترک باطلی که بر آن هستند هدایت فرماید.